

استفاده از چند فعل به همراه dass در جملات

سلام دوستان

می خواهیم با هم در این درس نگاهی داشته باشیم به چند فعل در یک جمله ، دقت کردید که ما در فارسی گاهی میگوییم : آن اتاق انقدر سرد بود که ما آن بخاری را شب ها نیز باید می گذاشتیم بسوزد. (روشن باقی بماند)

می بینید که در این جمله ما از ۴ تا فعل استفاده کردیم.

این جملات در نگاه کلی از دو بخش تشکیل شده اند ، بخش اول بیانی کوتاه از یک اتفاق است و بخش دوم با توضیحی از آن اتفاق بخش اول و جمله را نیز تکمیل میکند.

بخش اول :

آن اتاق انقدر سرد بود

در اینجا (بود) فعل بخش اول جمله ماست.

بخش دوم : ما آن بخاری را شب ها نیز باید می گذاشتیم بسوزد.

در اینجا نیز ما ۳ فعل داریم که (باید) فعل کمکی جمله و (گذاشتن □ سوختن) نیز دو فعل اصلی ما.

که معمولا برای ساخت این جملات ، فعل کمکی را می بایستی به زمان گذاشته برده و در انتهای جمله قرار بدهیم

به این مثال در زبان آلمانی توجه کنید :

In diesem Zimmer war es so kalt, daß wir den Ofen auch Nachts brennen lassen mußten

war گذشته ساده فعل sein است که به معنی بودن می باشد.

در این نوع جملات در بخش دوم جمله فعل کمکی به زمان گذشته می رود که در مثال بالا müssen به گذشته ساده رفته و شده mußten

نکته : توجه داشته باشید که برای ساخت این جملات حتما باید از **dass** استفاده کنیم و بدون **dass** جمله ما غیر قابل درک می شود. اگرچه در فارسی ما می توانیم بدون (که) نیز این جملات را بگوییم اما در آلمانی اینگونه نیست و باید حتما بخش دوم نیز با **dass** شروع شود.

ما می توانیم افعال زیادی را با هم ترکیب کنیم تا توسط آنها جملاتی اینگونه بسازیم.

در مورد **lassen** که به معنی گذاشتن هستش می توان اینگونه در فارسی مثال زد که من به شما می گویم ، **بذارید** آن بچه درسش را بخواند ، یا اینگه **بگذار** بخوابم ، **بگذار** بگویم و ... پس هرگاه **lassen** را با افعال ترکیب کردیم به این معنی است که **بگذاریم** کار یا اتفاقی بی افتد ، البته نا گفته نماند **lassen** گاهی نیز به این معنی است که ما بگذاریم اتفاق یا کاری توسط دیگران انجام شود. به مثال زیر توجه کنید :

Der Fernseher **war** kaputt so, **dass** ich einen neuen **kaufen lassen mußte**

آن تلویزیون آن طور خراب بود ، که من یکی جدید را باید می گذاشتم بخرند.

Der Fernseher **war** kaputt so , **dass** ich einen neuen **kaufen mußte**

آن تلویزیون آن طور خراب بود ، که من یکی جدید را باید می خریدم.

همانطور که دیدید وقتی از **lassen** در جمله استفاده کردیم به این معنی است که بگذاریم شخص دیگری اینکار را بکند اما وقتی در جمله دوم **lassen** را حذف کردیم ، آنگاه به این مفهوم بود که خودم باید اینکار را انجام بدهم و یک تلویزیون جدید بخرم.

بیشتر **افعال** را می توانیم با **lassen** و **افعال کمکی** ترکیب کنیم و آنگاه جملاتی مانند همین درس بسازیم.

laufen lassen mußten باید بگذاریم جریان داشته باشد ، باید بگذاریم حرکت کند

laufen lassen könnte می توانستیم بگذاریم جریان داشته باشد ، می توانستیم بگذاریم حرکت کند

gehen lassen mußten باید می گذاشتیم بروند

gehen lassen wollten می خواستیم بگذاریم بروند

gehen lassen konnte می توانستیم بگذاریم بروند

kommen lassen mußten باید می گذاشتیم بیایند

essen lassen mußten باید می‌گذاشتیم بخورند
trinken lassen mußten باید می‌گذاشتیم بنوشند
arbeiten lassen mußten باید می‌گذاشتیم کار کنند
sprechen lassen mußten باید می‌گذاشتیم صحبت کنند
hören lassen mußten باید می‌گذاشتیم گوش کنند
reden lassen mußten باید می‌گذاشتیم حرف بزنند
lesen lassen mußten باید می‌گذاشتیم بخوانند
lernen lassen mußten باید می‌گذاشتیم یاد بگیرند
In Ruhe lassen mußten باید در آرامش می‌گذاشتیم
tauschen lassen mußten باید می‌گذاشتیم معاوضه شوند
schlafen lassen mußten باید می‌گذاشتیم بخوابند
übertragen lassen mußten باید می‌گذاشتیم منتقل شوند
machen lassen mußten باید می‌گذاشتیم انجام شود
überweisen lassen mußten باید می‌گذاشتیم واریز شود

نکته : توجه داشته باشید که می توانیم از دیگر افعال کمکی نیز استفاده کنیم برای مثال :

überweisen lassen konnten می توانستیم بگذاریم واریز شود
überweisen lassen wollten می خواستیم بگذاریم واریز شود
überweisen lassen sollten می بایستی می‌گذاشتیم واریز شود

پس یاد گرفتیم که چگونه از چند فعل در جملاتمان استفاده کنیم، برای درک بهتر این درس به ادامه مثال ها توجه کنید :

Das Auto **ist** defekt so, dass ich es zur Werkstatt **bringen lassen mußten**

آن ماشین آن طور خراب بود ، که من باید می‌گذاشتم آنرا به تعمیرگاه حمل کنند.

Er **bat** mich so sehr, **dass** ich ihn mit **fahren lassen möchte**

او آنقدر از من خواهش کرد ، که من بخوام بزارم او همراه من بیاید.

Du **fährst** so schlecht, **dass** ich dich nicht mit meinem Auto **fahren lassen möchte**

آن انقدر بد رانندگی میکنی . که من نمی خوام بزارم تو را با ماشین من رانندگی کنی.

Die CD **ist** so gut, **dass** ich sie dich **hören lassen möchte**

آن سی دی آنقدر خوب است که من می خواهم آنرا برای تو بگذارم گوش کنی.

Die Kinder **hatten** Hunger so, **dass** wir ihnen **essen lassen mußten**

آن بچه ها طوری گرسنه بودند ، که ما باید میگذاشتیم آنها غذا بخورند.

Die Kinder **hatten** Durst so , **dass** wir ihnen **trinken lassen mußten**

آن بچه ها طوری تشنه بودند ، که ما باید میگذاشتیم آنها بنوشند.

چنانچه در ارتباط با این درس سوال ، پیشنهاد یا انتقادی دارید ، می توانید در بخش نظرات این درس درج کنید.

موفق باشید.

آموزش رایگان زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد

منبع : de.alemani.de